

معرفی کتاب

سنت ترجمه در عصر ایلخانان و تیموریان

مؤلفان: مریم سعیدی، دکتر پروانه معاذاللهی

نشر قطره، ۱۳۹۶، ۲۵۲ ص.

تیراژ ۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰ تومان

«در جست‌وجوی آن نباشیم که تاریخ در مورد ترجمه می‌گوید،

در جست‌وجوی آن باشیم که ترجمه در مورد تاریخ می‌گوید»^۱

کتاب سنت ترجمه در عصر ایلخانان و تیموریان به بررسی ترجمه در این دو دوره تاریخی پرداخته است، زیرا از نظر مؤلفان این دو دوره برخلاف عصر عباسیان، صفویان و قاجار کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به‌زعم نویسندگان، دوران ایلخانان و تیموریان که سده‌های هفتم، هشتم و نهم هجری قمری را دربرمی‌گیرد، به‌منزله قطعات کوچک مفقودشده‌ای از موزاییک تاریخ ترجمه در ایران هستند. این کتاب سه فصل دارد. فصل اول به بررسی سنت ترجمه در دوران ایلخانان، فصل دوم به بررسی سنت ترجمه در دوره فترت یعنی مقطع زمانی بین زوال تدریجی سلسله ایلخانی و استقرار کامل سلسله تیموری و فصل سوم به بررسی سنت ترجمه در دوران تیموریان پرداخته است.

از لحاظ روش‌شناختی، نگارندگان از نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو در «نظریه عمل»^۲ سودبرده‌اند زیرا به‌نظر آنان با این نظریه و استفاده از مفاهیمی نظیر «عادت‌واره»^۳، «میدان»^۴ و «سرمایه»^۵ می‌توان از روش‌های محدودی نظیر «دیرینه‌شناسی ترجمه»^۶ و «نقد تاریخی»^۷ گذر کرد و به روشی جامع‌تر در تاریخ‌نگاری ترجمه یعنی «تفسیر» دست‌یافت، زیرا به‌گفته پیم (۱۹۹۸)، فقط در روش تفسیر است که می‌توان «به چرایی ترجمه و روابط علت‌ومعلولی دست‌یافت که اساس واقعیت‌های تاریخی از جمله ترجمه هستند و با در نظر گرفتن مناسبات قدرت کشف می‌شوند». علاوه بر این، مؤلفان بر این اعتقادند که با استفاده از نظریه بوردیو

^۱ Rundle, Ch. 'Translation as an approach to History', Translation Studies: 5(2) (2012): p. 239.

^۲ Theory of Practice 3 Habitus 4 Field 5 Capital 6 Archaeology of translation

^۷ Translation criticism

می‌توان به‌جای متون ترجمه‌شده بر مترجمان به‌عنوان کنش‌گران اجتماعی تمرکز کرد و به‌تعبیر پیم (۲۰۰۹، ص. ۳) با تمرکز بر عملکرد مترجمان به تاریخ ترجمه «بعد انسانی بخشید»^۸. بر این اساس، نگارندگان طبق مراحل پیشنهادی بوردیو و وکونت (۱۹۹۲، صص. ۱۰۴-۱۰۵)، ابتدا ترجمه را به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از میدان تولیدات فرهنگی در رابطه با میدان قدرت بررسی کرده‌اند زیرا ترجمه از نظر غالب جامعه‌شناسان ترجمه فاقد یک میدان مستقل می‌باشد. از این طریق، به مباحثی از جمله مناسبات قدرت دخیل در ترجمه، نحوه شکل‌گیری هنجارهای ترجمه و سهم قدرت در این روند، نقش میدان قدرت در نشر و توزیع ترجمه‌ها، ایدئولوژی حاکم بر آنها و نقش ترجمه در سیر تحول میدان قدرت پرداخته شده است. سپس، طبق اولویت‌بندی بوردیو و وکونت (همان)، به روابط حاکم بین موقعیت‌هایی که توسط نهادها یا عاملان اجتماعی در میدان‌های تولید علمی و فرهنگی تصاحب شده‌اند پرداخته شده است. در این راستا، عاملان ترجمه از جمله مترجمان، حامیان، سیاست‌گذاران، سفارش‌دهندگان و توزیع‌کنندگان ترجمه در رابطه با یکدیگر و در پیوند با شرایط حاکم بر میدان‌های تولید علمی و فرهنگی از جانب میدان قدرت بررسی شده‌اند. سپس، طبق مرحله‌نهایی در روش بوردیو و وکونت (همان)، عادت‌واره برخی عاملان ترجمه تحلیل شده است. براساس مراحل فوق‌الذکر، در مقطع زمانی موردنظر، در فصل نخست، ابتدا نحوه شکل‌گیری میدان قدرت ایلخانی و توزیع سرمایه‌های اجتماعی اقتصادی بین عاملان تأثیرگذار در این میدان بررسی شده و سپس وضعیت زبان، ادبیات و فرهنگ در این دوره مورد مطالعه قرار گرفته است. در این بخش، دلایل شکل‌گیری نهضت فارسی‌نویسی و به تبع آن نهضت ترجمه به فارسی مورد بحث قرار گرفته است. در این راستا، بر نقش کنش‌گرانی نظیر خاندان جوینی در حمایت از ترجمه به زبان فارسی تأکید ویژه‌ای شده، زیرا از نظر نویسندگان در این مقطع زمانی همواره رابطه مستقیمی بین سیاست‌های حامیان ترجمه و تولیدات مترجمان وجود داشته است. به عنوان مثال، این رابطه در دوره حکومت هلاکوخان (۶۶۳-۶۵۱ ه.ق.)، غازان‌خان (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) و سلطان محمد خدابنده (۷۱۶-۷۰۳ ه.ق) تأثیر عمیقی بر عملکرد مترجمان داشته است، به گونه‌ای که در پی سقوط بغداد در سال ۶۵۶ ه.ق، افول مراکز علمی عباسیان و تسلط هلاکوخان بر ایران، ترجمه به زبان فارسی تحت حمایت بهاء‌الدین و شمس‌الدین محمد جوینی، دو وزیر ایرانی و هوشمند این دوره، رونق قابل توجهی یافت. همچنین، به ترجمه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و افضل‌الدین محمد بن حسن مرقی

⁸ Humanizing translation history

کاشانی معروف به باباافضل توجه خاصی شده است، بدین صورت که عادت‌واره و ترجمه‌های این دو در پیوند با سیاست‌گذاری‌های ترجمه از جانب حامیان ترجمه تحلیل شده است. شایان ذکر است که عادت‌واره مترجمان در این اثر از لحاظ انتخاب متون، انتخاب زبان دوم، هدف ترجمه، تبعیت یا عدم تبعیت از هنجارهای ترجمه و پاره‌ای موارد دیگر شرح داده شده است. در این فصل، تأثیر بازدارنده یا تضعیف‌کننده میدان قدرت بر ترجمه در دوره حاکمیت حاکمان مغول نظیر آباخان (۶۸۰-۶۶۳ ه.ق.)، تکودار، ارغون‌خان، گیخاتو و بایدوخان (۶۹۴-۶۸۰ ه.ق.) توصیف شده است. طبق بررسی‌های انجام‌شده، برخلاف دوره حکومت هلاکوخان، سیطره این حاکمان به تقویت جایگاه عناصر مغول در میدان قدرت و افت قدرت وزیران ایرانی انجامید و درنهایت، به افول شدید نهضت فارسی‌نویسی و ترجمه به زبان فارسی منجر شد. اما، طبق تحقیقات نویسندگان، در دوره حکومت غازان‌خان و اولجایتو بار دیگر نقش کنش‌گران ایرانی و مسلمان در میدان قدرت پررنگ شد و حامیانی نظیر رشیدالدین فضل‌الله و علامه حلی هرکدام به شکل محسوسی در تقویت و جهت‌دهی به نهضت ترجمه تلاش کردند. تحت حمایت غازان‌خان که عادت‌واره اش حداکثر قرابت با عادت‌واره ایرانیان یافته بود بار دیگر نهضت ترجمه چنان تقویت شد که در مرکز آموزشی بین‌المللی ربع رشیدی ترجمه به جزء لاینفک فعالیت‌های روزمره بدل شد. در این بخش، ترجمه تنکسوق‌نامه از زبان چینی به فارسی به عنوان نمونه‌ای از آثار تولیدشده تحت حمایت رشیدالدین فضل‌الله از لحاظ روش ترجمه، مقدمه مترجم، هنجارهای ترجمه حاکم بر آن و غیره بررسی شده است. نویسندگان این اثر از میان دیگر ویژگی‌های این دوره، به‌طور خاص به ترجمه آثار شیعی به زبان فارسی پرداخته‌اند. به گفته آنان، ترجمه این دسته آثار در دوران حکومت اولجایتو به‌عنوان تنها حاکم مغول و شیعه ایلخانی به اوج خود رسید، بدین صورت که در دوران سلطنت این حاکم ایلخانی، تسلط شیعیان بر میدان قدرت و ورود علامه حلی به ایران به حمایتی ایدئولوژیک از ترجمه آثار شیعی به زبان فارسی و ترجمه درون‌زبانی آثار عربی انجامید. این حمایت‌ها از نظر نگارندگان چنان عادت‌واره مترجمان را دستخوش تغییر کرد که به‌عنوان مثال، قطب‌الدین محمود شیرازی، منجم برجسته این دوران، برخلاف دوره هلاکوخان به‌جای ترجمه از عربی به فارسی به ترجمه از فارسی به عربی روی آورد. در این کتاب، همواره افت‌وخیز قدرت ایرانیان در میدان قدرت ایلخانی به تغییراتی در مسیر نهضت ترجمه ربط داده شده و درعین حال چنین نتیجه‌گیری شده که ترجمه نیز به نوبه خود کم‌وبیش میدان قدرت را تقویت کرده است.

فصل دوم به افول سلسله ایلخانی و تشکیل دولت‌های ملوک الطوائفی نظیر خاندان اینجو (۷۴۲-۷۵۸ ه.ق.)، ایلکانان (۷۳۶-۸۱۴ ه.ق) پرداخته است و در نهایت، چنین نتیجه گرفته که ضعف این حکومت‌ها در شکل‌دهی به شبکه‌های حمایت‌کننده از تولیدات فرهنگی به نقش کم‌رنگ مترجمان در سیر فرهنگی این دوره انجامیده است. در فصل سوم، ابتدا به نحوه تسلط تیمور بر این دولت‌های ضعیف پرداخته شده و سپس وضعیت ترجمه در دوران سلطنت تیمور (۷۷۱-۸۰۷ ه.ق.)، میرزا شاهرخ‌شاه (۸۰۷-۸۵۰ ه.ق.)، میرزا الغ بیگ (۸۵۰-۸۵۳ ه.ق.) و سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ه.ق.) بررسی شده است. طبق بررسی‌های نویسندگان، پنج سلطان دیگر تیموری ناکارآمدتر از آن بودند که بر تولیدات میدان علمی و فرهنگی از جمله ترجمه تأثیر خاصی بگذارند، با این حال برخی ترجمه‌های مهم این دوره نیز تا حدی مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر نویسندگان، تنها در دوره سلطان حسین بایقرا با کمک امیرعلی شیر نوایی ترجمه بار دیگر به شکلی نظام‌مند و منسجم سامان‌دهی شد. اما، برخلاف دوره ایلخانی، نهضت ترجمه در این دوره به اعتلای زبان فارسی کمک نکرد بلکه در خدمت اهداف وزیر ترک‌تبار این دوره یعنی امیرعلی شیر نوایی قرار گرفت. این نهضت در این فصل تحت عنوان نهضت ترکی‌نویسی و ترجمه به ترکی بررسی شده است. بر این اساس، می‌توان گفت ادبیات نوپای ترکی به‌مدد ترجمه‌های ادبی این دوره به ادبیاتی مستقل و زبان ترکی به زبانی مجهز به شیوه بیان ادبی تبدیل شد. در این بخش، فعالیت‌های مترجمانی نظیر امیرعلی شیر نوایی و شیخ محمود کاشغری (د. ۴۷۷ ه.ق.) به‌طور خاص بررسی شده است. به‌طور کلی در این کتاب، همواره ترجمه به‌عنوان کنشی اجتماعی معرفی شده که تا حد زیادی بر ساخته‌ی مناسبات قدرت و شبکه‌های حمایت‌کننده حاصل از آن بوده و در تقویت ساختار قدرت تأثیرگذار بوده است. همچنین بر نقش بلامنازع مترجمان در جریان‌های علمی فرهنگی سده‌های هفتم تا دهم تأکید شده است.

References

- Pym, A. (1998). *Methods in Translation History*. Manchester: St. Jerome Publications
- Pym, A. (۲۰۰۹). 'Humanizing Translation History'. *Journal of Language and Communication Studies*. 42, 1-23.
- Bourdieu, P. & Wacquant, L. J. D. (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*. Cambridge: Plitey.
